

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ جنوری ۲۰۲۲

## قهرمانان ریاء و فریب مقابل هم!

(۲)

سه شنبه- ۲۱ جدی ۱۴۰۰ - کابل:

۴- نکته دیگری که در این دیدار حایز اهمیت است، شناخت دو طرف مذاکره و اهداف آنها از آغاز مذاکره می باشد:  
**الف- طرفین مذاکره:** با شناختی که از طالب و اینک نظام ملاسالار داریم، آنها یک نیروی زور گو، متحجر و تمامیتخواه اند و از لحاظ اعتقادی بدین امر معتقد اند که "حق مطلق را نمایندگی می نمایند"، در نتیجه چنین بینش و طرز تفکری، برداشت آنها از همکاری و شراکت، اطاعت مطلق و برده وار دیگران از آنها و تمام نیرو و توانایی هایشان را جهت استحکام نظام آنها تخصیص دادن می باشد. از همین رو "امیر خان متقی" بسیار صریح و روشن گفت که به آنها گفته است که بیایند در افغانستان زندگانی نمایند هیچ خطری آنها را تهدید نمی نماید. یعنی که در افغانستان بیایند و کارد قصابان را جهت بریدن گردن خودشان تیز نمایند.

گذشته از این که تا چه اندازه وعده و وعید "امیرخان متقی" قابل اعتبار است و نظر بقیه رهبران طالب به خصوص "آی. اس. آی." که فعلاً نظراتش را زیر نام احکام ملا "هیبت الله" تعمیم می نماید در مورد مصونیت دادن به مخالفان نظام چیست، در ذات صحبت "امیر خان متقی" فقط اصل "حق حیات" مخالفان در داخل کشور مورد تأیید قرار گرفته است، آنهم با همان برداشت خاص خودشان، نه پذیرش و خواستهای طرف مقابل - به صحیح و غلط بودن آن خواستها عجالتاً کاری نداریم-

در طرف مقابل طالب یعنی هم "اسماعیل خان" و هم "احمد مسعود"، علی رغم این که در اهداف ستراتیژیک حاکمیت به خصوص در ساختن حاکمیت دینی هیچ نوع اختلافی بین هم ندارند و در عمل هم "اسماعیل خان" و هم "الگوهای شخصیتی احمد مسعود از جمله پدرش و ربانی" نشان داده اند، که هیچ نوع رابطه و احترامی به مردم، رأی آنها و حق حاکمیت مردمی ندارند و در بهترین صورت مغز شان بیشتر از تشکیل مجلس "حل و عقد" به جای مردم و آنها را قیم مردم دانستن انکشاف ننموده است، مگر در خواست ها و ادعا های شان حرفهائی را می زنند که می شود گفت بزرگتر از دهان خودشان می باشد.

"اسماعیل خان" که تجسمی از اخوانیت فاسد با تمام زیر و بم آن است، از ۴۰ سال بدین سو چه در هنگام مقاومت ضد روسی و چه هنگام نوکری اش به اشغالگران بارها ثابت نموده است که نه تنها خود هیچ نوع تمایلی جهت بردن

افغانستان به طرف ترقی و پیشرفت بنیادی نداشته است، بلکه دشمنی خونینی نیز با آنهایی که افغانستان مستقل، دموکراتیک و مرفه می خواستند، نیز داشته است. تا جایی که از کارنامه خونبار و ننگین این جرثومه فساد و جنایت بر می آید می توان به صراحت در موردش گفت که وی "گلبدین" حوزة غرب بوده، یکی از آن تر دامنانی است که حتا گذشت بیش از ۴ دهه نیز نتوانسته است لکه های خون فرزندان آزادیخواه، انقلابی، صدیق و پاکباز میهن را از دامنش پاک نماید. همسویی و تطابق ایدئولوژیک و فقدان وجدان و دامن ناپاک خصوصیتی اند که وی را با طالب در یک محور قرار داده، از همین رو علی رغم تمام سروصدا ها و رجز خوانی ها، طالب چندین بار از خودش گذشته است. یعنی هرباری که به اتهام مخالفت با طالب دستگیر شده، طالب بروی رحم نموده، مجدداً آزاد نموده است، تا به حیات ننگینش ادامه دهد.

و اما درباره "احمد مسعود"، تمام سرمایه سیاسی گذشته اش، اعتبار کذایی است که پدر جنایتکارش حین مقاومت ضد روسی، با کشتار آزادیخواهان و عناصر انقلابی، جهت فراهم نمودن زمینه اشغال کشور به وسیله امپریالیسم غرب، انجام داده است. شخص خود "احمد مسعود" تا زمان اعلام به اصطلاح "جبهه مقاومت" نه تنها از لحاظ نظری و نه هم از لحاظ عملی، کوچکترین گامی در تقابل با دو دشمن اساسی مردم افغانستان، یعنی امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی برنداشته است، بلکه در عمل ضمن آن که در دامن امپریالیسم و استخبارات های متعدد از "واواک" ایران گرفته تا استخبارات فرانسه و انگلیس و در این اواخر تاجیکستان پرورش یافته است، با برافراشتن بیرق ننگین "برهان الدین ربانی" و پدر جنایتکارش و به نحوی حرکت خود را ادامه سلطه آنها معرفی داشتن، پیوند های عمیق و غلیظ خودش و نهاد ادعائی اش را با امپریالیسم و ارتجاع به اثبات رسانیده است.

این یهودی سرگردان که قبل از آشنائی با تعداد ولسوالی های پنجشیر و یا نام بردن از چهار کوچه کابل، قاره ها را زیر پای می گذارد و معلوم نیست با داشتن کدام پاسپورت و یا گذرنامه، اینهمه ویزای ورود و خروج از کشور های مختلف را در اروپا و آسیا به دست می آورد، خودش می داند که چیزی بیشتر از یک بازیچه در دست نهاد های استخباراتی نیست.

هموطنان گرامی!

حال می باید دید که این افراد و نهاد ها با کدام اهدافی گرد هم جمع می شوند و منظور شان از چنین نمایشی هائی چیست؟

ادامه دارد

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**